

## تعریف و انواع ضابطین دادگستری

### الف: تعریف ضابط دادگستری:

اصطلاح ضابط دادگستری خود از دو لغت «ضابط» و «دادگستری» تشکیل شده است.

ضابط در لغت به معنی نگاهدارنده، حفظ کننده، نیرومند، حاکم و قاعد آمده است و از ریشه ضبط به معنی نگاهداشتن، حفظ کردن، محکمه کردن و نگهداری می باشد. در گذشته نماینده وزارت کشور در یک ناحیه را ضابط با مباشر می گفتند:

دادگستری نیز در لغت به معنای اجرای عدالت است و در اصطلاح و در معنی خاص کلمه و آنچه در قانون به کار رفته است، شامل دادگاه های عمومی و انقلاب و دادگاه های تجدیدنظر استان و تشکیلات مرتبط با آنها می باشد.

**اصل ۱۵۹** قانون اساسی در مورد دادگستری مقرر داشته: مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

**ماده ۲۸** قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تعریف ضابطین دادگستری مقرر داشته: ضابطین دادگستری مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم ، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم ، شناسایی ، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند و عبارتند از:

### **ماده ۲۹** – ضابطان دادگستری عبارتند از :

الف – ضابطان عام شامل فرمانده هان افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب – ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب میشوند

۱. روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان
۲. مأمورین وزارت اطلاعات ، نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۳. سایر نیروهای مسلح که تمام یا برخی از وظایف ضابط نیروی انتظامی را به آنها محول کند.

**تبصره ۵:** کارکنان وظیفه ضابط دادگستری محسوب نمیشوند اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد

انجام وظیفه مینمایند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.

**سه خصیصه در این ماده مورد توجه قرار گرفته:**

**الف)** اولین خصیصه ضابطین دادگستری این است که آنها را قانون تعیین و معرفی می کند و هیچکس نمی تواند ضابط دادگستری بوده و از اختیارات ضابط استفاده کند. مگر اینکه این عنوان را قانون به او داده باشد. از طرفی مقامات قضایی نیز نمی توانند وظایف ضابطین دادگستری را بر کسی تحمیل کنند، مگر اینکه قانون چنین وظیفه ای را بر عهده آنها گذاشته باشد. بنابراین کسی که قانون عنوان ضابط را به او اعطا نکرده باشد، ضابط نیست.

**ب)** دومین خصیصه ضابطین دادگستری این است که اقدامات آنها باید در چارچوب قانون باشد. یعنی در هنگام اجرای دستورات مقام قضایی و یا در هنگام اعمال و اجرای اختیارات و وظایفی که قانون به طور مستقیم به آنها محول کرده است رعایت مقررات و موازین قانونی را بنمایند.

**ج)** اقدامات ضابطین باید تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی انجام گیرد. (در حالیکه گاهی اوقات نحوه ارتکاب جرم و یا حالت یا وضعیت مرتکب جرم به گونه ای است که اقتضاء دارد ضابطین دادگستری رأساً و خارج از نظارت و تعلیمات مقام قضایی وظایف قانونی خود را انجام دهند. جرایم مشهود و مصداق بارز چنین وضعیتی می باشند).

### **انواع ضابطین قوه قضائیه:**

دایره وسعت اصطلاح ضابطین قوه قضائیه وسیع تر از دایره ضابطین دادگستری است. دادگستری بخشی از قوه قضائیه است. قوه قضائیه شامل: دادگستری، دیوان عدالت اداری، سازمان قضایی، نیروهای مسلح، دیوان عالی کشور، دادسرای دیوان عالی کشور، دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات و بخش های مرتبط با آنها می باشد. بنابراین می توان رابطه بین اصطلاح ضابطین قوه قضائیه و ضابطین دادگستری را عموم و خصوص مطلق دانست یعنی ضابط دادگستری ضابط قوه قضائیه محسوب می شود. ولی ضابط قوه قضائیه ضابط دادگستری نیست. بنابراین ضابطین قوه قضائیه به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. ضابطین دادگستری

۲. ضابطین نظامی

ضابطین دادگستری نیز به دو دسته الف. ضابطین عام ب. ضابطین خاص تقسیم می شوند.

### **الف) ضابطین عام دادگستری**

مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی صلاحیت اقدام در خصوص کلیه جرایم را دارند به استثنای مواردی که به موجب قوانین خاص از شمول صلاحیت آنها خارج گردیده است.

با توجه به ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری دو مورد را می توان ضابط عام دادگستری نامید:

۱. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (بند ۱ ماده ۱۵) (کاملترین مصداق ضابطین عام)

۲. نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام وظایف نیروی انتظامی را به آنها محول کند. (موضوع بند ۴ ماده ۱۵)

### **ب) ضابطین خاص دادگستری**

مأمورینی هستند که مستقیماً به موجب قانون یا تحت نظارت و تعلیمات قانونی مقام قضایی در حدود وظایف محوله و در مورد جرایم خاصی یک یا چند وظیفه از وظایف ضابط بودن را از قبیل کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی را انجام داده و مراتب را مقام قضایی اعلام می نماید.

این ضابطین از کلیه اختیارات ضابطین دادگستری برخوردار نیستند و فقط از لحاظ انجام وظایف و یا در زمان معین ضابط دادگستری محسوب می شوند. به عبارت دیگر ضابط خاص به مأمورینی گفته می شود که دارای قدرت عام ضابطیت نیستند. اما به اعتبار شغل و وظیفه خاصی که دارند، اولاً: می توانند بعضی از اقدامات را در حد اقدامات تعقیبی و تحقیقی انجام دهند. ثانیاً: گزارش آنها از حیث ارزش در ردیف اعتبار گزارش ضابطین دادگستری محسوب و ارزیابی می شود.

### **تفاوت عمده و اساسی بین ضابطین عام و خاص عبارتند از:**

۱. ضابطین عام صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند مگر آنچه که قانون منع کرده است ولی ضابطین خاص صلاحیت اقدام درباره هیچ جرمی را ندارند مگر آنچه که قانون اجازه داده است.
  ۲. ضابطین خاص با توجه به امکانات محدودشان در محدوده وظایف محوله ضابط هستند. یعنی فقط صلاحیت انجام بعضی از وظایف ضابطین را دارند. ولی ضابطین عام صلاحیت انجام همه وظایف ضابطیت را دارند.
- به طور کلی ضابطین خاص را می توان با توجه به حدود و اختیاراتی که قانونگذار به آنها محول نموده به شرح ذیل دسته بندی نمود.

**الف) دسته اول:** ضابطینی که پس از کشف جرم مکلفند مستقیماً به موجب قانون و یا تحت نظارت و تعلیمات قانونی مقام قضایی اقدامات لازم را به منظور حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم به عمل آورده و مراتب را به مقام قضایی گزارش نمایند که عبارتند از:

۱. اعضاء نیروی مقاومت بسیج
۲. اعضاء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۳. واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۴. روسا و معاونین زندانها
۵. فرمانده هواپیما

۶. مأمورین انتظامی راه آهن
۷. مأمورین جنگلبانی
۸. مأمورین شکاربانی (مأمورین گارد اجرایی محیط زیست)
۹. مأمورین وصول ادوات و کشف قاچاق
۱۰. نیروهای محافظ سازمان میراث فرهنگی
۱۱. مأموران گارد بنادر و گمرکات

**ب) دسته دوم:** ضابطینی هستند که در قوانین مربوط صرفاً گزارش آنها به منزله گزارش ضابطین دادگستری است و قوانین خاص تکلیف دیگری از جهت حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم بر عهده آنها قرار نداده اند. از ضابطین عبارتند از:

۱. مأمورین شهرداری
۲. مأمورین منابع طبیعی و وزارت جهاد کشاورزی
۳. مأمورین وزارت نیرو (اداره آبیاری)
۴. بازرسان سازمان تأمین اجتماعی
۵. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار
۶. مأمورین شرکت پست و تلگراف و تلفن

**ج) دسته سوم:** مأموران مشابه ضابطین خاص دادگستری

حوزه عملیاتی این مأمورین مشابه ضابطین خاص است بدون اینکه در قوانین ذکری از ضابط بودن آنها به عمل آمده باشد. بعضی از وظایف ضابطین به آنها محول شده است. بعضی از مصادیق این دسته عبارتند از:

۱. مأمورین وزارت مسکن و شهرسازی
۲. اعضای شورای اسلامی روستا
۳. بازرسان مخصوصاً وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی
۴. بازرسان و کارشناسان موسسه استاندارد
۵. کلیه روسای سازمان های دولتی وابسته به دولت
۶. پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی
۷. کارشناسان رسمی دادگستری

**تعاریف و مسئولیت های ضابطین دادگستری**

اهم وظایف و تکالیف ضابطین دادگستری عبارتند از:

۱. اعلام مراتب وقوع جرم به مقام ذیصلاح قضایی و کسب تکلیف از ایشان
۲. اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار و اختفاء متهم و تبانی ایشان
۳. اقدامات لازم برای حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم
۴. بازجویی مقدماتی از شاکی و متهم
۵. اجرای سایر دستورات و گزارش اقدامات انجام شده به مقام قضایی
۶. ابلاغ اوراق قضایی
۷. اجرای تصمیمات و احکام دادگاه ها و سایر مقامات قضایی

با توجه به اینکه ضابطین خاص صرفاً در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند، بسیاری از ضابطین فقط صلاحیت اقدام در مورد یک یا چند وظیفه از وظایف فوق الذکر را دارند.

### الف- اعلام مراتب وقوع جرم به مقام ذیصلاح قضایی

یکی از تکالیف بسیار مهم ضابطین دادگستری اعلام مراتب وقوع جرم به مقام ذیصلاح قضایی می باشد. در این مورد ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می دارد:

ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود، مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به دادستان اعلام می کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ میکند. ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع دادستان می رسانند.

❖ چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد اسم نشانی شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج میکنند.

مستند به ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود:

۱. جرمی که در مرعی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده یا بلافاصله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
۲. در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند .
۳. بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.

۴. در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا پس از آن دستگیر شود.
۵. در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا کند
۶. وقتی که متهم ولگرد باشد

بنابراین چنانچه جرمی یکی از شرایط فوق را داشته باشد، جرم مشهود و در غیر اینصورت غیر مشهود محسوب می شود.

❖ نکته قابل توجه دیگر در متن ماده ۴۴ عبارت «به محض اطلاع» است که قویاً دلالت بر مقررات شدید و عدم جواز تأخیر در اعلام وقوع جرم دارد. بنابراین در صورتیکه ضابطین دادگستری در ساعات غیر اداری از وقوع جرمی غیر مشهود اطلاع پیدا کنند فوراً مراتب را به مقام قضایی کشیک اطلاع دهند. تعلل و تأخیر در انجام این وظیفه موجبات تعقیب ضابط را فراهم خواهد کرد.

❖ نکته: ضابطین دادگستری پس از اعلام مراتب وقوع جرم به مقام ذیصلاح قضایی تا زمانی که مقامات مزبور دستور انجام تحقیقات مقدماتی و تعقیب امر جزایی را در جرایم غیر مشهود صادر نکرده اند، صلاحیت هیچگونه اقدامی را در این خصوص ندارند. پس از صدور دستور تعقیب و انجام تحقیقات نیز فقط در حدود و دستورات صادره صلاحیت اقدام دارند.

مثلاً اگر مقام قضایی صرفاً دستور احضار متهم و تحقیق از وی را صادر کرده باشد، ضابطین دادگستری مجاز نیستند و در صورتی که متهم حاضر نشد او را جلب کند و از او تحقیق به عمل آورند همچنین حق ورود به منزل و توقیف آلات و ادوات و دلایل جرم را ندارد. مگر مقام قضایی صراحتاً چنین اقدامی را از آنها خواسته باشد.

❖ منظور از عبارت « اطلاع از وقوع جرم» در ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب و ماده ۴۳ چنین روشن نموده است: هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مورد تردید باشد و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد. قبل از اطلاع به دادستان تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می دهند. بنابراین در صورت مشکوک بودن علائم و امارات وقوع جرم، تکلیف اعلام مراتب به دادستان از ضابطین ساقط نمی شود. ضمن اینکه تکلیف ضابطین در این مرحله بیشتر شده و وظیفه بررسی صحت و سقم اخباری که به طور مشکوک دلالت بر وقوع جرم دارند نیز به عهده خواهند داشت.

### ب- اقدامات قانونی لازم برای جلوگیری از فرار و اختفاء متهم و تبانی او

اقدامات مذکور که مستقیماً و یا به دستور مقام قضایی انجام می شوند، عبارتند از:

۱. جلب و دستگیری متهم

۲. بازداشت متهم

## بخش اول

جلب و دستگیری اقدامی است که به موجب آن مظنون به صورت موقت برای تحقیق در اختیار ضابطین و سپس دادستان قرار می‌گیرد. در مواردی که کار می‌رود که متهم و یا مجرم فراری بوده و یا خود را از دید مأمورین مخفی می‌نماید.

### انواع جلب:

جلب و دستگیری علاوه بر محدود کردن حقوق و آزادی های فردی اشخاص ممکن است از نظر اجتماعی ضربات جبران ناپذیری به آنها وارد کند. لذا قانون گذار به عنوان یک اصل، صلاحیت صدور دستور جلب متهمین و مجرمین و گاهی اوقات شهود و مطلعین را تحت شرایطی به مقامات قضایی محول کرده است و به عنوان یک استثناء به ضابطین اجازه داده که در جرائم مشهود در هنگام تحقیقات مقدماتی صرفاً در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی وجود داشته باشد متهم را رأساً جلب نمایند.

بنابراین جلب به اعتبار مقاماتی که صلاحیت صدور دستور جلب اشخاص را دارند می‌توان به

۱. جلب هایی که رأساً توسط ضابطین در جرایم مشهود به عمل می‌آید.
۲. جلب هایی که به دستور مقامات قضایی و توسط ضابطین به عمل می‌آید.

### الف- جلب در جرائم مشهود:

مستند به مواد ۱۸ و ۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری یکی از وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود اقدامات لازم به منظور جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی است. چنانچه انجام این وظیفه به طریق دیگری غیر از جلب و دستگیری متهم امکان پذیر نباشد. ضابطین مکلف به جلب متهم می‌باشند. چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به متهم ابلاغ شود.

در اجرای مقررات ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری کسی نباید جلب شود مگر اینکه دلایل کافی برای جلب او موجود باشد. تا اولاً در اثر سستی و مسامحه آنها، نظم جامعه گسیخته نگردد و مجرمین احساس امنیت نکنند. ثانیاً با سختگیری بی مورد و بی توجهی آنها به قوانین، حقوق و آزادی ها و آبرو و اعتبار افراد تضییع نگردد.

## ب- جلب در جرائم غیر مشهود:

قبل از ارجاع پرونده به شعبه دادگاه در جرایم غیر مشهود، نه تنها ضابطین دادگستری بلکه هیچ مقام قضایی صلاحیت صدور دستور جلب متهم را ندارد. زیرا ضابطین در این گونه جرائم صرفاً مکلف به اعلام مراتب وقوع جرم به مقام ذیصلاح قضایی هستند و مقام ذیصلاح قضایی رئیس حوزه قضایی یا جانشین قانونی اوست که مطابق ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی کشور در این گونه موارد پس از وصول پرونده یا شکایت به جزء ارجاع آنها به یکی از شعب دادگاه صلاحیت دار هیچگونه اقدام دیگری را ندارد. ولی در جرائم مشهود قبل از اینکه پرونده به شعبه ای ارجاع شده باشد و در هنگامی که ضابطین مشغول تحقیق هستند به عنوان رئیس ضابطین دستور جلب متهم را در صورت ضرورت صادر نماید. بعد از ارجاع پرونده به دادگاه (دادسرا) (در مرحله تحقیقات مقدماتی) به موجب ماده ۱۷ قانون آئین دادرسی کشور فقط قاضی مربوط تحت نظر قاضی دادگاه انجام وظیفه می کند. صلاحیت صدور دستور جلب را دارند و ضابطین مکلف به انجام دستورات آنها هستند.

## در اجرای قانون آئین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری در اجرای وظایف شرعی و قانونی خود مکلفند که:

**اولاً:** در ساعات اولیه روز اقدام به جلب متهم نمایند به نحوی که قبل از پایان وقت اداری امکان تحویل وی به مقام قضایی صادر کننده دستور جلب وجود داشته باشد.

**ثانیاً:** به جز در مواردی که بیم تبانی و فرار و مخفی شدن متهم و امحاء آثار جرم باشد نباید متهم را بعد از وقت اداری و در ایام تعطیل جلب کنند.

**ثالثاً:** بلافاصله پس از جلب، مجلوب را تحویل مقام قضایی دهند.

**رابعاً:** اگر مجلوب را به حکم ضرورت در پایان وقت اداری یا ایام تعطیل جلب کردند به نحوی که امکان فوری تحویل وی به مقام قضایی نباشد و در صورتی می توانند او را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحاء آثار جرم باشد و در هر صورت اجازه نگهداری را بیش از ۲۴ ساعت بدون دستور مقام قضایی ندارند. اگر بیم تبانی و امحاء آثار جرم نباشد در صورت عدم دسترسی به مقام قضایی مجلوب باید آزاد شود.

## بخش دوم- بازداشت متهم

بازداشت به معنای تحت نظر قرار دادن متهم است که متعاقب جلب یا حضور متهم نزد مقام بازداشت کننده صورت می گیرد.

به طور کلی وظایف ضابطین در ارتباط با بازداشت متهم را می توان در چهار قسمت به شرح زیر خلاصه کرد:



۱. بازداشت متهم در جرایم مشهود در صورتی که بازداشت وی به تشخیص ضابطین برای جلوگیری از فرار و اختفاء و تبانی ضروری بوده و نیز بازداشت او نزد آنها برای تکمیل تحقیقات لازم باشد.
۲. بازداشت متهم در جرایم مشهود و غیر مشهود به دستور مقام قضایی قبل از صدور قرار تأمین
۳. بازداشت متهمی که به دستور مقام قضایی جلب شده است. در صورت عدم دسترسی به مقام قضایی و بیم فرار و تبانی متهم و امحاء آثار جرم

### **بخش سوم- ورود و تفتیش در منازل و اماکن برای دستگیری متهم**

ورود به منازل و اماکن برای جلب و دستگیری متهم از جمله وظایف ضابطین می باشد که در صورت ضرورت به اجرای آن به این امر اقدام می نمایند. این تکلیف در اجرای مواد قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به عهده ضابطین دادگستری گذاشته شده است. مستند به ماده ۹۶ قانون مذکور تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به می آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد.

### **ج- اقدامات لازم به منظور حفظ آثار و دلائل جرم**

ماده ۱۸ قانون مذکور ضابطین را مکلف نموده است که در جرائم مشهود رأساً و قبل از اعلام مراتب وقوع جرم به مقامات ذیصلاح قضایی اقدامات قانونی لازم را در خصوص حفظ آثار و دلائل جرم به عمل آورده و بلافاصله نتیجه را به مقام قضایی اعلام نمایند.

در جرایم غیر مشهود ضابطین دادگستری به جز در مواردی که مقام قضایی ذیصلاح دستور اقدام به آنها داده باشد، صلاحیت انجام هیچگونه اقدامی را در خصوص حفظ آثار و دلائل جرم ندارند.

- صلاحیت صدور دستورات لازم را برای حفظ آثار و دلائل جرم در جرائم غیر مشهود به موجب ماده ۲۶ و ۲۷ قانون مذکور عبارتند از رئیس یا دادرس هر یک از شعب دادگاه ها که پرونده توسط رئیس حوزه قضایی یا جانشین او به آنها ارجاع شده است و همچنین قضات تحقیقی که زیر نظر آنها انجام وظیفه می کنند.
- اقداماتی را که ضابطین دادگستری در جرایم مشهود رأساً و در جرایم غیر مشهود صرفاً به دستور مقام ذیصلاح قضایی صلاحیت انجام آن را دارند عبارتند از:

۱. معاینه محل
۲. تفتیش منازل و اماکن و اشیاء
۳. توقیف و ضبط آلات و ادوات جرم
۴. تحقیقات محلی
۵. استماع اظهارات شهود و مطلعین

۱) **معاینه محل:** منظور از معاینه محل، بررسی صحنه جرم و کشف و جمع آوری دلائل و قرائن و اسناد و حفظ صحنه جرم است. معاینه محل معمولاً در جرائمی از قبیل ایجاد طریق عمدی، تخریب، تصادفات رانندگی منجر به قتل و جرح، قتل و سرقت و نظائر آن انجام می گیرد. ثبت خصوصیات محل و آثار به جا مانده از جرم کمک شایانی به کشف حقیقت می کند. لذا جلوگیری از ورود و خروج و دخالت افراد غیر مجاز و تهیه کروکی و عکسبرداری و انعکاس تمام جزئیات با ذکر ساعت و تاریخ مشاهده در صورت مجلس از جمله اقدامات ضروری است که باید توسط ضابطین به عمل آید.

در معاینه محل علاوه بر توصیف محل وقوع جرم بهتر است که نقشه محل نیز تهیه گردد. مقررات قانونی مربوط به معاینه محل عبارتند از مواد ۸۳ (قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری) در مورد دعوت از حل خبره، ماده ۷۸ در خصوص حضور اشخاصی که در امور جزایی شرکت دارند، ماده ۷۹ ضرورت معاینه محل در مواردی که فوریت داشته باشد. ماده ۸۰ راجع به درج آثار و علائم مشهود و مکشوفه در صورتجلسه و مواد ۹۴، ۹۰، ۱۸

## ۲) ورود و تفتیش در منازل و اماکن و اشیاء

ضابطین دادگستری در جرایم مشهود در راستا و در جرایم غیر مشهود به دستور مقام قضایی نسبت به تفتیش منازل و اماکن و اشیاء مزبور اقدام خواهند کرد.

با عنایت به تاکید شرع مقدس اسلان و اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مصونیت مسکن، ضابطین باید توجه داشته باشند که ورود و تفتیش در منازل و اشیاء خصوصی متعلق به افراد بدون اجازه آنها در صورتی مجاز است که دلائل کافی مبنی بر کشف آثار و دلائل جرم و یا دستگیری متهم در داخل آن منازل و اماکن و اشیاء وجود داشته باشد.

مواد ۹۶ تا ۱۰۵ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری شرایطی را برای تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم ذکر نموده است.

## ۳) ضبط آلات و ادوات جرم

ضابطین مکلفند در حین معاینه محل و تفتیش اماکن و اشیاء و بازرسی متهم، کلیه آلات و ادوات ارتکاب جرم و اموال و اشیاء ناشی از جرم و به طور کلی هر چیزی که در کشف جرم و احراز حقیقت موثر است، ضبط و در صورت مجلس توصیف و تعریف نمایند.

قانونگذار در مواد ۱۰۶ تا ۱۱۲ قانون مذکور مقررات و شرایطی را در خصوص نحوه ضبط آلات و ادوات جرم وضع نموده است.

- مستند به ماده ۱۰۸ قانون مزبور آلات و ادوات جرم باید توسط ضابطین شماره گذاری و مهور و حفظ گردد و بابت آنچه که تحصیل می شود باید با ذکر مشخصات به صاحب رسید دهند.

- اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده باید به مستور قاضی به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این قاعده مستثنی است (ماده ۱۱۱ قانون فوق) نکته قابل توجه این است که استرداد اموال و اشیاء تحصیل شده از وقوع جرم طبق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی صرفاً مختص به مقام قضایی است و تا زمانیکه مقام قضایی در این خصوص تعیین تکلیف ننماید، ضابطین اجازه استرداد اموال تحصیل شده از وقوع جرم را به صاحب آن ندارند.

### مسئولیت های قانونی ضابطین دادگستری:

آقای دکتر کاتوزیان در کتاب ضمان شهری - مسئولیت مدنی صفحه ۱۱ مسئول را اینچنین تعریف نموده است:

مسئول به کسی گفته می شود که خطا کار است و باید مکافات گناهی را که مرتکب شده است ببیند.

مسئولیت عبارت است از قابلیت تحمل مکافات توسط شخص خطا کار

بنابراین مسئولیت های قانونی ضابطین دادگستری عبارتند از:

۱. مسئولیت کیفری

۲. مسئولیت انتظامی (مسئولیت اداری)

۳. مسئولیت مدنی

**الف - مسئولیت کیفری عبارت است از:** مسئولیت ناشی از ارتکاب جرم. بنابراین در صورتیکه ضابطین دادگستری در ارتباط با انجام وظیفه خود مرتکب جرم شوند قابل تعقیب و مجازات در دادگاه های عمومی خواهند بود.

**ب - مسئولیت انتظامی (مسئولیت اداری) عبارت است از:** مسئولیت ناشی از تخلف انضباطی در امور اداری. بنابراین اگر ضابطین مرتکب جرم شوند از لحاظ انتظامی نیز قابل تعقیب خواهند بود. یعنی علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت انتظامی (اداری) نیز خواهند بود.

**ج - مسئولیت مدنی عبارت است از:** تعهد قانونی مشخص به رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است. بنابراین در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.

به موجب قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری: قضات، ضابطین دادگستری و سایر مأمورین که به موجب قانون موظف به تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم می باشند چنانچه در انجام وظیفه خود مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که نتیجه آن عدم تعقیب یا عدم اجرای حکم صادره باشد، حسب مورد تحت تعقیب کیفری، انتظامی و اداری قرار خواهند گرفت.

به موجب مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

**ماده ۱۱** قانون مذکور مقرر می دارد: کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند. شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند. ولی هرگاه خسارت مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است.

- ماده ۲۰ و ۲۱ قانون شکار و صید
- تبصره ماده ۳۰ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا
- مواد ۲۷ الی ۳۴ آئین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست
- ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست
- دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست